

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمون‌هایی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۹۸ تا ۱۴۰۱ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

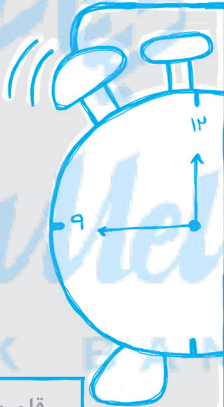
الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نهایی روبه‌رو هستید. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱ است.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۷ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۹ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



درس فارسی (۳)

نمره	موضوع‌ها	قلمروها
۱/۵	معنی واژه	زبانی (۷ نمره)
۱/۵	املای واژه	
۴	دستور	
۱	تاریخ ادبیات	ادبی (۵ نمره)
۲/۵	آرایه‌های ادبی	
۱/۵	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری (۸ نمره)
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	
۲۰	کل	جمع

فهرست

صفحه نوبت	صفحه آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	نوبت	آزمون شماره
۴۲	۳	۴۲	اول	آزمون شماره ۱
۴۲	۶	۴۲	اول	آزمون شماره ۲
۴۳	۹	۴۳	اول	آزمون شماره ۳
۴۳	۱۲	۴۳	اول	آزمون شماره ۴
۴۴	۱۴	۴۴	دوم	آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۹۸
۴۴	۱۸	۴۴	دوم	آزمون شماره ۶ نهایی خرداد ۹۹
۴۵	۲۳	۴۵	دوم	آزمون شماره ۷ نهایی شهریور ۹۹
۴۶	۲۷	۴۶	دوم	آزمون شماره ۸ نهایی دی ۱۴۰۰
۴۶	۳۱	۴۶	دوم	آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۴۷	۳۴	۴۷	دوم	آزمون شماره ۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۱
۴۸	۳۷	۴۸	دوم	آزمون شماره ۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۴۸	۳۹	۴۸	دوم	آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۱
۴۹		۴۹		درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۳)
نوبت اول پایه دوازدهم	آزمون شماره ۱		ردیف
درس اول			
۱	عبارت زیر را معنی کنید. غصارة تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته.	در معنی کردن عبارت‌ها و اشعار هتماً از کلمات مترادف استفاده کن تا راحت‌تر معنی کنی.	۱
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. نتوان شینه تو گفتن که تو در وهم نیایی		۲
۰/۵	در میان واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را مقابل آن بنویسید. «معاملت، انابت، وظیفه‌بریدن، وسیم، خلعت» الف) جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد: ب) قطع کردن مقرری:	معنی کلمات و معادل‌های معنایی از دو منبع طرح می‌شود: ۱) واژگان پایان کتاب (۲) سوالات بخش قلمرو زبانی هر درس.	۳
۰/۵	در عبارت زیر «تضاد» و «سجع» را بیابید. هر نفسی که فرومی‌رود، مُمیدِ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات.	کلمات «سجع» معمولاً در پایان جمله‌ها میار!	۴
۱	در هر یک از موارد زیر چه نوع حذفی دیده می‌شود؟ الف) هر نفسی که فرومی‌رود مُمدِ حیات است و چون برمی‌آید مُفَرِّحِ ذات. ب) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.		۵
درس دوم			
۰/۵	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»		۶
۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. گفت: «باید حد زُند هشیازمردم، مست را»		۷
۰/۵	در میان گروه کلمات زیر چند نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. «سرای والی - داروغه و نگهبان - قرامت و تاوان - حد و مجازات - واعظ و نصیحت‌گو - تزویر و دورویی»		۸
۰/۲۵	مصراع «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟	این یک سوال پرتکرار! هتماً یادش بگیر.	۹
۰/۵	در سروده «مست و هشیار» از شیوه استفاده شده است که در اصطلاح ادبی به آن می‌گویند.		۱۰
۰/۵	بیت‌های زیر را کامل کنید.		۱۱
۰/۵	در مکتب حقایق، پیش ادیب عشق		۱۲
۰/۵	دست از مس وجود، چو مردان ره بشوی		
درس سوم			
۰/۲۵	شعر زیر را معنی کنید. جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است		۱۳
۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ...		۱۴
۰/۲۵	در بیت «هَمّت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود» واژه «هَمّت» به چه معناست؟ عزم (۱) مقاومت (۲) توجّه از صمیم قلب به خدا (۳) دعای خیر (۴)		۱۵
۱	مفاهیم زیر در کدام ابیات دیده می‌شود؟ «مبارزه با سلطه بیگانگان - جان‌فشانی در راه وطن - ستمگر بودن حاکم زمان - دعوت به مبارزه برای آزادی» الف) فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد پ) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن ت) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم	مفهوم هر بیت رو مقابله بنویس. بنمایید که هر کس نکند، مثل من است زاشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحرزن است بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است	۱۶

نمبره	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه دوازدهم
درس پنجم				
۰/۵	۱۷	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. از سیم به سر یکی گله خود		
۰/۵	۱۸	در بیت زیر: تو مشیت درشست روزگاری الف) ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید. ب) هر یک از واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟	به مجموعه «مشاف» و «مشاف‌الیه»، ترکیب اضافی گفته می‌شود.	
۰/۵	۱۹	در هر یک از موارد زیر آرایه نوشته شده در مقابل هر بیت را نشان دهید. الف) ای مادر سرسپید بشنو ب) بگریای چو ازدهای گرز	این پنند سیاه‌بخت فرزند (کنایه و مفهوم آن) بِخروش چو شرزه شیر آرغند (جناس و نوع آن)	
۰/۵	۲۰	مفهوم شعر زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟ توضیح دهید. «دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟» ۱) شو منفجر ای دل زمانه ۲) ای مادر سرسپید بشنو ۳) برکش ز سر این سپیدمعجر ۴) زین بی‌خردان سِفله بستان		
درس ششم				
۰/۵	۲۱	شعر زیر را معنی کنید. در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد		
۰/۲۵	۲۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. بی‌آنک آن بزرگ، نزد حق یاد کند و عرضه دهد.		
۰/۵	۲۳	آیا آرایه ادبی «اسلوب معادله» در هر دو بیت وجود دارد؟ توضیح دهید. ● عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را ● محرم این هوش جز بی‌هوش نیست	سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را مر، زبان را مشتری جز گوش نیست	
۰/۵	۲۴	منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ روزها گر رفت، گو رو، باک نیست تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست		
۰/۲۵	۲۵	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. بشنو این نی چون حکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند	از جدایی‌ها شکایت می‌کند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند	
۰/۲۵		الف) مقصود مولوی از «نی» چیست؟ ب) «بریدن» به چه معناست؟		
درس هفتم				
۰/۵	۲۶	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. در عشق قدم‌نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.		
۰/۲۵	۲۷	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. به <u>حُسن</u> - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن.		
۰/۵	۲۸	در جمله زیر واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟ محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.		

نمبره	نوبت اول پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	ردیف
آزمون شماره ۱					
۰/۵				پدیدآورندگان آثار زیر را نام ببرید. الف) فی حقیقه‌العشق (ب) تمهیدات	۲۹
۰/۲۵				در بیت زیر کدام کلمات تضاد دارند؟ در عالم پیر هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است	۳۰
۰/۵				بیت‌های زیر را کامل کنید. آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل باز آ که در هوایت خاموشی جنونم	۳۱ ۳۲
درس هشتم					
۰/۲۵				معنای واژه مشخص شده را بنویسید. پیرمرد از داخل کازیه روی میز یک پاکت برداشت.	۳۳
۱				در هر یک از موارد زیر نادرستی املايي را بیاييد و تصحيح کنید. الف) از بیم عقرب جزیره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار قاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. ب) کلثوپاترا، مار زهردار بر بازوی خویش می‌نهد و آتش عشق بی‌امان خود را با چراغ حیاط خویش، خاموش می‌کند.	۳۴
۰/۵				در کدام گزینه «ممیز» وجود دارد؟ آن را مشخص کنید. ۱) پنجاه متر ارتفاع ۲) بانک اعتبارات ایران ۳) قدرت قلم نویسنده ۴) گیرایی سخن او	۳۵
۰/۵				در بیت زیر «جناس همسان (تام)» را بررسی کنید. کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟	۳۶
درس نهم					
۰/۵				گروه‌های اسمی زیر را از نظر داشتن «وابسته وابسته» بررسی کنید. الف) قلب آن کویر ب) دوست بسیار مهربان	۳۷
۰/۲۵				در عبارت: «بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را روشن نگاه دارد.» الف) منظور از «چشم‌ها به او بود» چیست؟ ب) «گرم کردن و روشن نگاه‌داشتن چراغ علم و ...» چه مفهومی دارد؟	۳۸
۲۰	جمع نمرات		موفق باشید		

فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	حرفه‌ای
ردیف	آزمون شماره ۹			نمره
نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰				
قلمرو زبانی (۷/۵ نمره)				
۱	معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد. پ) جنگ بود این یا شکار آیا / میزبانی بود یا تزویر	ب) که گفتی <u>سمن</u> داشت اندر کنار ت) پیشت آید هر زمانی صد <u>تعَب</u>	۱	
۲	در بیت‌های زیر، تفاوت معنایی واژه «دستور» را بررسی کنید. الف) چه نیکو گفت با جمشید <u>دستور</u> که با نادان نه شیون باد و نه سور ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان <u>دستور</u> نیست		۲	۰/۵
۳	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) واصفان حلیهٔ جمالش به تحبیر (منصوب - منسوب) ب) گفت از (بهر - بحر) غرامت جامه‌ات بیرون کنم.		۳	۰/۵
۴	در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املايي بیابید و درست آن را بنویسید. الف) هم‌چنان که می‌توانست او، اگر می‌خواست، / کان کمند شصت خم خویش بگشاید / و بیاندازد به بالا، ... ب) در کتل و گردنهٔ یک دوجین شکم و روده مراحل مضق و بلع و هضم و تحلیل را پیموده است.		۴	۰/۵
۵	در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املايي وجود دارد، درست هر یک را بنویسید. «آذرم و حیا - خار و بی‌ارزش - سورت سرمای دی - زهر شمشیر و سنان»		۵	۰/۵
۶	در نوشتهٔ زیر، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید. «پروانه قوت از عشق آتش خورد و همهٔ جهان، آتش بیند.»		۶	۰/۵
۷	با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید. «گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جاشویم _____ گفت: والی از کجا در خانهٔ خنار نیست؟ گفت: تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب _____ گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست» الف) در بیت اول، فعل «شویم»، اسنادی و فعل «نیست»، غیراسنادی است. ب) در بیت دوم، «خوابگاه مردم»، یک ترکیب اضافی و «مردم بدکار» یک ترکیب وصفی است.		۷	۰/۵
۸	نوع وابستهٔ وابسته را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید. الف) متوجه شدم که قدرت قلم نویسنده تا چه حد بوده است. ب) این جا می‌توان چند حلقهٔ چاه عمیق زد.		۸	۰/۵
۹	با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟» الف) نوع «واو» در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟ ب) در مصراع دوم، کدام واژه نقش «نهاد» دارد؟		۹	۰/۵
۱۰	در نوشتهٔ «فکر کردم اگر پیش تر بروم، به حتم گم می‌شوم. بر تل خاکی نشستم. حتی اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید.» الف) زمان کدام فعل «مضارع التزامی» است؟ ب) در واژهٔ «صدایتان»، نقش دستوری ضمیر پیوستهٔ «تان» چیست؟		۱۰	۰/۵
۱۱	«هفت خوان را زادسرو مرو، ... / آن هریوهٔ خوب و پاک آیین روایت کرد؛ / خوان هشتم را / من روایت می‌کنم اکنون / من که نامم ماث» الف) گروه اسمی «آن هریوهٔ خوب»، چه نوع نقش تبعی دارد؟ ب) نقش دستوری واژهٔ «اکنون» را بنویسید. پ) واژهٔ «هشتم» کدام یک از انواع وابسته‌های پسین است؟ ت) در گروه اسمی «زادسرو مرو»، هسته را مشخص کنید.		۱۱	۱
۱۲	در کدام گزینه، جملهٔ مرکب دیده می‌شود؟ ۱) بی‌اختیار در را باز کردم و این جوان نمک‌نشناس را بیرون انداختم. ۲) از خوش‌مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و نمرهٔ تلفن او را از من خواستند. ۳) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحفاظی با آقایان رفتند. ۴) فوراً مسئلهٔ میهمانی و قرار با رفقا را با عیالم در میان گذاشتم.		۱۲	۰/۵

شماره	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
ردیف	آزمون شماره ۹			
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰			
۱۳	مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. الف) دیلمان: ب) خواهان:			۰/۵
۱۴	<u>قلمرو ادبی ۴ نمره</u> نام صاحب هر یک از آثار داده‌شده را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید. الف) غزلواره‌ها (شکسپیر - پابلو نرودا) ب) سانتاماریا (مهرداد اوستا - سید مهدی شجاعی)			۰/۵
۱۵	از بین آثار زیر، به ترتیب یک اثر از اخوان ثالث و یک اثر از سلمان هراتی بیابید. از پاریز تا پاریس - دری به خانه خورشید - هوا را از من بگیر خندهات را نه - در حیاط کوچک پاییز در زندان			۰/۵
۱۶	در هر یک از موارد زیر، با توجه به بخش‌های مشخص‌شده، کدام آرایه ادبی دیده می‌شود؟ الف) فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را گفته تا بنات نبات بپرورد. () ب) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت () پ) نهادند بر دشت هیزم دو کوه <u>جهانی</u> نظاره شده هم‌گروه () ت) تا باز کند به روی عالم <u>دباجه</u> خاطرات شیرین ()			۱
۱۷	با توجه به منطق الطیر عطار، هر یک از پرندگان زیر، نماد چه کسانی هستند؟ الف) بلبل: ب) هدهد:			۰/۵
۱۸	در هر یک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید. الف) مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آورد غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد (اسلوب معادله - حسن تعلیل) ب) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه (تناقض - اغراق) پ) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند (تشخیص - تضمین) ت) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش (جناس همسان - تشبیه)			۱
۱۹	با توجه به سروده «آن‌گاه که پاهایم می‌روند و باز می‌گردند / نان را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر / اما خندهات را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم»، الف) یک نمونه آرایه تضاد بیابید. ب) مفهوم کنایه «چشم از دنیا نبندم» چیست؟			۰/۵
۲۰	<u>قلمرو فکری (۸/۵ نمره)</u> معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق ب) امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند. پ) که هر چند فرزند هست ارجمند دل شاه از اندیشه یابد گزند ت) طفره می‌رفتید ولی اصرارهای من، عاقبت شما را متقاعد کرد. ث) چون بُوَد کاکلیم ما را شاه نیست بیش از این بی‌شاه بودن راه نیست ج) این بدبخت‌ها سال آزرگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند که کباب بخورند. چ) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟			۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵
۲۱	به پرسش‌های مربوط به درک مطلب پاسخ دهید. در نوشته زیر، منظور از «به طریق انبساط» چیست؟ «یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»			۰/۵
۲۲	با توجه به شعر «دماوندیه»، منظور از بخش‌های مشخص‌شده در بیت‌های زیر چیست؟ «پنهان مکن آتش درون را زین سوخته‌جان شنو یکی پند گر آتش دل نهفته داری سوزد جانانت به جانانت سوگند»			۰/۵

فهرست	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰	آزمون شماره ۹		
۲۳	از مقایسه سروده سهراب سپهری با نوشته زیر، چه مفهوم مشترکی دریافت می‌شود؟ ● «من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیرة الاحرام علف می‌خوانم» ● «در کویر خدا حضور دارد ... و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»			
۲۴	در بیت زیر، منظور از «نسیم سحر خیز» و «باغ» چیست؟ «با این نسیم سحر خیز، بر خیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو»			
۲۵	بیت زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟ «چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود»			
۲۶	در سروده زیر، منظور شاعر از «حدیث آشنای نقال» چیست؟ «مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش چونان حدیث آشنایش گرم - / راه می‌رفت و سخن می‌گفت»			
۲۷	در نوشته زیر، منظور نویسنده از مثل «چند مرده حلاجی» چیست؟ «مصطفی جان، می‌خواهم امروز نشان بدهی چند مرده حلاجی و از زیر سنگ هم شده یک غاز برای ما پیدا کنی.»			
۲۸	با توجه به سروده زیر، یکی از ویژگی‌های عشق جاودانی را بنویسید. «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو» / این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند»			
۲۹	با توجه به هفت وادی عرفانی منطق الطیر، هر یک از بیت‌های ردیف نخست، با کدام بیت در ردیف دوم، یادآور وادی مشترکی است؟ (در ردیف دوم، یک بیت اضافی است.)			
		«ردیف نخست»	«ردیف دوم»	
		۱) روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک بیابان برکنند	الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش	
		۲) دل چه بندی در این سرای مجاز همت پست کی رسد به فراز	ب) چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار	
			پ) مال این جا بایدت انداختن ملک این جا بایدت درباختن	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

پاسخ‌نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- شیرهٔ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجّه و پرورش او، دانهٔ خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.
- ۲- «شبهه»: مانند، مثل، همسان
- ۳- الف) خلعت ب) وظیفه بریدن
- ۴- «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع
- ۵- الف) فعل «است» بعد از «ذات» به قرینهٔ لفظی حذف شده است. (مفترّح ذات است.) ب) فعل «است» بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینهٔ معنایی حذف شده است. (رسیده است / کشیده است.)
- ۶- محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلوتلوخوران راه می‌روی.»
- ۷- «حد»: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۸- کلمهٔ «قرامت» نادرست و شکل صحیح آن «غرامت» است
- ۹- رواج رشوه‌خواری
- ۱۰- گفت‌وگو / مناظره
- ۱۱- هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
- ۱۲- تا کیمیای عشق بیابم و زر شوی
- ۱۳- جامه‌ای را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ زیرا آن جامه، باعث بدنامی تن است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است.
- ۱۴- «مُلک»: سرزمین
- ۱۵- گزینهٔ «۱»: عزم
- ۱۶- الف) دعوت به مبارزه برای آزادی ب) مبارزه با سلطهٔ بیگانگان
پ) جان‌فشانی در راه وطن ت) ستمگری بودن حاکم زمان
- ۱۷- برف را مانند کلاه‌خودی نقره‌ای بر قلّه داری.
- ۱۸- الف) «مشت روزگار» و «گردش قرن‌ها»
ب) «تو»: نهاد / «گردش»: متمم
- ۱۹- الف) «سیاه‌بخت»: کنایه از بیچاره
- ب) «شرزه» و «گرزه»: جناس ناهمسان (ناقص)
- ۲۰- گزینهٔ «۱»: مفهوم مشترک، «ساکت‌نبودن و سخن دل را به زبان آوردن» است.
- ۲۱- روزهای عمر ما عاشقان، با درد عشق به پایان می‌رسد و هر روزمان با سوز عشق، همراه شده است.
- ۲۲- «عرضه‌دادن»: بیان کردن، اظهار کردن
- ۲۳- بله، زیرا در هر دو بیت، یکی از مصراع‌ها مثال یا معادلی برای مصراع دیگر است و مصراع‌ها مستقل هستند.
- ۲۴- «باک نیست»: اهمیتی ندارد / «تو»: عشق
- ۲۵- الف) «نی» نماد انسان آگاهی است که می‌داند از جایگاه اصلی خود دور افتاده است. ب) «بریدن» در معنای «جداشدن» است.
- ۲۶- کسی به طور قطع می‌تواند عشق را دریابد که در قید و بند خودش نباشد و خود را فراموش کند.
- ۲۷- «حُسن»: نیکویی، زیبایی
- ۲۸- «محبت»: نهاد / «عشق»: مسند
- ۲۹- الف) سهروردی ب) عین‌القضات همدانی
- ۳۰- پیر و برنا: تضاد
- ۳۱- لبخند گناه‌گهت صبح ستاره‌باران

۳۲- فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۳۳- «کازیه»: جاکاغذی، جعبهٔ چوبی یا فلزی روباز که برای قراردادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند.

۳۴- الف) «قاشیه» نادرست و شکل صحیح آن «غاشیه» است.

ب) «حیاط» نادرست و شکل صحیح آن «حیات» است.

۳۵- گزینهٔ «۱»: واژهٔ «متر» ممیّز است.

۳۶- «کی» جناس همسان (تام) دارد: در مصراع اوّل به معنی «پادشاه» و در مصراع دوم به معنی «چه وقت».

۳۷- الف) «آن»: وابستهٔ وابسته از نوع «صفت مضاف‌الیه»

ب) «بسیار»: وابستهٔ وابسته از نوع «قید صفت»

۳۸- الف) همه به او توجّه داشتند. ب) حکمت و علم و ... را رونق بخشیدن

آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

- ۱- نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و ماندنی برایت نام برد، زیرا تو حتّی در خیال هم در نمی‌آیی.
- ۲- «مگر»: امید است، شاید
- ۳- گزینهٔ «۱»: واژهٔ «سنایی» نادرست و شکل صحیح آن «فنائی» است
- ۴- «مذعیان»: کسانی که حق را نیافته‌اند، اما به زبان مدّعی وصال حق هستند.
- ۵- محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند.»
- ۶- «والی»: حاکم، فرمانروا
- ۷- «شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل ناگذر است، «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده و فعل ناگذر است.
- ۸- فقر موجود در جامعه
- ۹- غفلت مسئولان از مشکلات جامعه
- ۱۰- گزینهٔ «۲»
- ۱۱- خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد
- ۱۲- گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد
- ۱۳- تمام فریاد من که مانند پرنده‌ای اسیر هستم، برای وطن است و روش پرندهٔ گرفتار قفس، مانند من است.
- ۱۴- «أهرمن»: اهریمن، شیطان
- ۱۵- «دفتر زمانه»: تشبیه «زمانه»: مشبه؛ «دفتر»: مشبّه‌به / «افتادن نام از قلم»: کنایه از فراموش شدن
- ۱۶- «دعای خیر» و «توجّه از صمیم قلب به خداوند»
- ۱۷- وقتی زمین از ظلم و ستم آسمان، سرد، سیاه، بی‌صدا و معلّق شد.
- ۱۸- «فسرده»: یخ‌زده، منجمد
- ۱۹- در بیت «ب» واژهٔ «زماذ» نادرست و شکل صحیح آن «ضماد» است. در بیت «پ» واژهٔ «اثاث» نادرست و شکل صحیح آن «اساس» است.
- ۲۰- شاعر علّت فراتر از ابرها بودن دماوند را، بیزاری از مردم و پنهان کردن چهره دانسته است: حسن تعلیل / آمدن «روی» و «چهره» و «نهفتن» برای دماوند: تشخیص
- ۲۱- هر کسی از روی حدس و گمان و در حدّ فهم خود، با من همراه شد.
- ۲۲- آرایهٔ مشترک دو واژه «استعاره» است؛ «ماهی»، استعاره از «عاشق واقعی» و «آب»، استعاره از «عشق».
- ۲۳- هیچ شخص بی‌تجربه‌ای حال افراد باتجربه را درک نمی‌کند.

- ۱۰- حسن تعلیل (شاعر علت بلندی دماوند را پنهان شدن کوه از مقابل چشم مردم می‌داند).
- ۱۱- این ظلم حاکم را همچون خانه‌ای ویران کن؛ زیرا باید ظلم را از پایه و اساس از بین برد.
- ۱۲- اسلوب معادله (مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و هر دو مصراع استقلال دستوری دارند).
- ۱۳- انسان کامل، عارف کامل، مولانا
- ۱۴- هر کسی از دیدگاه خودش با عارف همراه می‌شود و حال درون او را درک نمی‌کند.
- ۱۵- گزینه «۲»؛ اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق
- ۱۶- تضاد (پیر و برنا)
- ۱۷- طیلسان
- ۱۸- الف) مسند (ب) خون ضعیفان (پ) که
- ۱۹- الف) فرسخ: ممیز (ب) ایران: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- ۲۰- روزگاری همه مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن حساب می‌بردند و اطاعت می‌کردند.
- ۲۱- الف) نسبتاً: قید صفت (ب) این: صفت مضاف‌الیه
- ۲۲- علی شریعتی
- ۲۳- چون زیبایی‌ها را نمی‌توان با عقل دریافت (با نگاه عقل‌گرایانه به زیبایی، زیبایی را از بین می‌برد).
- ۲۴- غربت
- ۲۵- با این انقلاب، تو هم به پا خیز که حتی اگر در این راه شهید هم شدیم، انقلاب و آزادی به عنوان یادگار ما در وطن باقی می‌ماند.
- ۲۶- نام و سخن نیک ماندگار است.
- ۲۷- سلمان هراتی
- ۲۸- اصرارکننده، پافشاری‌کننده
- ۲۹- الف) مفعول (می‌بایست شما را پیدا می‌کردم)
- (ب) شما
- ۳۰- حس آمیزی (زمزمه لطیف و ملایم)
- ۳۱- صد کاروان هیون
- ۳۲- سنگ را بر سبوی زدن: آزمایش کردن
- ۳۳- گزینه «۱»؛ (اشاره به آداب و رسوم و نمادهای یک قوم یا ملت، ویژگی ملی حماسه است).
- ۳۴- وقتی که پیش شاه کاووس رفت، از اسب پیاده شد و تعظیم کرد.
- ۳۵- ناله و فریاد با صدای بلند، شیون
- ۳۶- سورت سرمای دی
- ۳۷- «پهلوان هفت‌خوان»: رستم / «خوان هشتم»: مرگ یا چاهی که شغاد حفر کرده بود.
- ۳۸- گرم‌رو، (عاشق نیز درست است).
- ۳۹- الف) پرندگان (ب) شهریار
- ۴۰- انسان‌هایی که عاشق ظاهرند. (کسانی که عشقشان حقیقی نیست).
- ۴۱- عطار
- ۴۲- وقتی در مرحله طلب (اولین مرحله) قدم بگذاری، رنج و سختی‌های زیادی در برابر تو ظاهر می‌شود.
- ۴۳- الف) استغنا (ب) فنا
- ۴۴- ارتقایافتن، رتبه‌گرفتن
- ۴۵- بقولات و حبوبات
- ۴۶- گزینه «۴»؛ از ماست که بر ماست
- ۴۷- نادرست (ان در خاوران نشانه مکان و در شامگاهان، نشانه زمان است).
- ۴۸- گزینه «۳»؛ شادی‌آفرینی
- ۴۹- الف) لفظی (ب) ماضی نقلی (پ) چه
- ۵۰- روح راستگوی عاشق هر چه را که در ذهن آدم می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- الف) به نتیجه می‌رسد، به ثمر می‌رسد (ب) نوعی درخت گل، یاسمن
- (پ) دورویی، ریاکاری، نیرنگ (ت) رنج و سختی
- ۲- الف) مشاور و وزیر (ب) اجازه، رخصت

۲۹- غربت

۳۰- ظلم و ستم

۳۱- مُصر

۳۲- تمایل و خواسته

۳۳- ای محسن شهید من، ای حسن بی‌گناه

۳۴- الف) جانبازان با شهدای جنگ

(ب) بی‌اعتبار کردن مرگ

۳۵- احمد عربلو

۳۶- اندیشه (اندیشه در معنی «اندوه» آمده و متضاد «شاد» است).

۳۷- گزینه «۲»؛ (ساخت در هر دو مورد در معنی آماده کرد آمده است).

۳۸- الف) شهریار (ب) حرف اضافه

(پ) ترکیب اضافی: جان کاووس کی

۳۹- گزینه «۴»؛ حس آمیزی (نرم سخن گفتن)

۴۰- اگر این چنین است که در این اتفاق من گناهکار هستم، خداوند جهان‌آفرین، من را (از آتش) حفظ نمی‌کند.

۴۱- مَلّی (اشاره به عقاید و باورهای یک قوم یا ملت)

۴۲- هریوه

۴۳- اگر خوابم اگر بیدار - میهن ای میهن

۴۴- گزینه «۱»؛ ایهام (نابراذر: ۱) برادر ناتنی (۲) ناجوانمرد)

۴۵- مهدی اخوان ثالث

۴۶- داستانی

۴۷- اکنون رستم، در (ته) این چاهی که به جای آب، زهر شمشیر و نیزه داشت، گرفتار شده بود.

۴۸- الف) وادی حیرت (ب) وادی استغنا

۴۹- بلندترین کوه روی زمین: بدل

۵۰- در جهان کسی از این راه بازنگشته است و کسی از مسافت آن آگاهی ندارد.

۵۱- گزینه «۳»؛ (در دیگر گزینه‌ها سه واژه «رمق»، «سورت» و «آزم» به این شکل صحیح‌اند).

۵۲- الف) جبهه (ب) حصار

۵۳- محمدعلی جمال‌زاده

۵۴- این بیچاره‌ها در سال طولانی فقط یک بار چنین فرصتی برایشان پیش می‌آید.

۵۵- الف) نقشه ما دارد عملی می‌شود. (ب) خیلی متعجب شدم.

۵۶- از ماست که بر ماست

۵۷- الف) شباهت (مانند کوه) (ب) نسبت (منسوب به کاهه)

۵۸- وابسته‌ساز: که / هم‌پایه‌ساز: اما

۵۹- عشق می‌بیند، می‌جوید / دست زمان

۶۰- آلفونس دوده

۶۱- عشق جاودانی یا همیشگی، همواره عشق یا معشوق قدیمی خود را موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد.

۶۲- نام‌گزین بودن قصه عشق

آزمون شماره ۸ (نوبت دوم)

۱- مانند، مثل، همسان

۲- بهر

۳- الف) فزاش باد صبا، دایه ابر بهاری، بنات نبات، مهد زمین (یک مورد)

(ب) فرش زمردین، استعاره از سبزه‌ها و چمنزار

۴- گزینه «۱»؛ رازداری و سکوت عاشق

۵- الف) درست (ی در مستی و نیست دوم)

(ب) نادرست (داروغه متعم و خوابگاه مسند)

۶- رشوه‌خواری

۷- بیگانه‌ستیزی

۸- سریر

۹- ضمد و مرهم

- ۳- گزینه «۳»؛ (دستور در صورت سؤال و گزینه (۳) به معنای «وزیر» است؛ اما در دیگر گزینه‌ها به معنی «اجازه» آمده است.)
- ۴- الف) ناهار (ب) شست
۵- الف) غدر (ب) ظن (پ) عمارت
۶- الف) کازیه (ب) عشیره
۷- گزینه «۳»؛ اهتزاز
۸- الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (ب) داشتم می‌گفتم
۹- الف) معنایی (ب) غیراسنادی
۱۰- رسم نمودار: نوع وابسته وابسته؛ ممیز

دو تخته فرش

- ۱۱- گزینه «۲»؛ به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.
۱۲- الف) درست (ب) درست
(پ) نادرست («تمام» در هر دو مصراع «صفت» است.)
(ت) نادرست («ان» در «هزاران» نشانه جمع و در «بهاران» نشانه زمان است.)
۱۳- به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید.
۱۴- الف) گزینه «۲»؛ یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟
(ب) گزینه «۱»؛ به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم
۱۵- الف) پروانه نماد عاشق حقیقی است.
(ب) شغاد، نماد ناجوانمردی است.
۱۶- الف) واژه سر (فکر و خیال) (ب) خاک و پاک
۱۷- الف) آرزوی عمر طولانی کردن (ب) پس‌روی کردن، تنزل کردن
۱۸- گزینه «۳»؛ اشاره به آداب و رسوم و نمادهای ملی، «زمینه ملی» حماسه را می‌سازد.
در گزینه (۱) به راه و رسم پوشیدن کفن اشاره شده، در گزینه (۲) به باور گذشتگان به تأثیر آسمان بر سرنوشت اشاره می‌کند و در گزینه (۴) به آیین و راه اشاره دارد.
۱۹- الف) تناقض (ب) اسلوب معادله
(پ) اضافه استعاری (ت) حس آمیزی
۲۰- الف) فی حقیقة‌العشق (ب) در حیاط کوچک پاییز در زندان
(پ) قصه‌های دوشنبه (ت) قصه شیرین فرهاد
۲۱- الف) آبروی بندگان را با گناه آشکار نمی‌ریزد و وجه معاش (رزق و روزی تعیین شده) را به دلیل خطای زشت قطع نمی‌کند.
(ب) در همان میانه غذا خوردن، منظره نابودی غاز، مرا به یاد ناپایداری روزگار ریاکار انداخت.
(پ) آتش توپخانه آغاز شده بود و صدای ترسناک آن، صدای ضعیف اسلحه کلاش را محو می‌کرد.
(ت) بعید نیست که به زودی خاطرات سفر ماه را هم بنویسم.
(ث) محتسب: پولی بده و خود را نجات بده. مست: موضوعات دینی با پول (رشوه) حل نمی‌شود.
(ج) مانند رود امیدوار اما ناآرام هستم، به سوی دریای اتحاد مردم می‌روم تا به آرامش برسم.
(چ) ای هم‌میهنان برای آزادی خویش چاره‌ای بیندیشید هر کس در پی چاره نباشد با من زندانی تفاوتی ندارد.
(ح) همه مردم ناراحت شدند و با دیدن چهره خندان سیاوش از شوق گریستند.
۲۲- شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه می‌بخشد.
۲۳- سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود.
۲۴- خورشید: سیمرغ یا خداوند
دزه: بهشت (دل‌بستگی‌های مادی)
۲۵- گزینه «۴»؛ مفهوم مشترک این است که عشق هر کسی را لایق نمی‌داند و عاشق باید بی‌تاب و پرشور باشد.
۲۶- الف) (ب) (پ) (ت)
۲۷- وادی طلب یا وادی اول

- ۳- الف) منسوب (ب) بهر
۴- الف) بیندازد (ب) مضغ
۵- آزر و حیا/ خوار و بی‌ارزش
۶- قوت: مفعول
۷- الف) نادرست (ب) درست
۸- الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (ب) ممیز
۹- الف) عطف (ب) چشمان
۱۰- الف) بروم (ب) مفعول
۱۱- الف) بدل (ب) قید
(پ) صفت شمارشی (ترتیبی) (ت) زادسرو
۱۲- گزینه «۳»؛ آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.
۱۳- الف) مکان (مکان زندگی مردم دیلم) (ب) صفت فاعلی
۱۴- الف) شکسپیر (ب) سید مهدی شجاعی
۱۵- در حیاط کوچک پاییز در زندان ← مهدی اخوان ثالث
دری به خانه خورشید ← سلمان هراتی
۱۶- الف) استعاره (ب) کنایه
(پ) مجاز (ت) حس آمیزی
۱۷- الف) انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی و ناپایدار دل بسته‌اند.
(ب) پیر و مرشد و راهنما
۱۸- الف) اسلوب معادله (ب) اغراق
(پ) تشبیه (ت) تشبیه
۱۹- الف) می‌روند و بازمی‌گردند (ب) نمی‌روند (تا زمانی که زنده‌ام)
۲۰- الف) دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره‌پاره شده باشد. (محرمی می‌خواهم که سختی جدایی کشیده باشد).
(ب) حکومت‌های بزرگ هم مانند انسان‌های ثروتمند و پرخور از زیاده‌خواهی نابود می‌شوند.
(پ) هرچند فرزند عزیز و گرانقدر است، اما بدگمانی به فرزند، دل شاه را آزرده خواهد کرد.
(ت) خودداری می‌کردید، اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد.
(ث) چرا سرزمین ما شاه ندارد؟ بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست.
(ج) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند (گرسنگی کشیده‌اند، به خود وعده داده‌اند) که کیاب بخورند.
(چ) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد، اما روح راستگو و درست‌کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد.
۲۱- به شیوه صمیمی و خودمانی
۲۲- سوخته‌جان: شاعر (ملک‌الشعرای بهار) / آتش: خشم، اعتراض
۲۳- همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. ﴿يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾
۲۴- نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم / باغ: وطن، کشور
۲۵- لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد. (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود).
۲۶- داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران)
۲۷- میزان قدرت و توانایی تو چه قدر است.
۲۸- یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چه قدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند.
۲۹- ۱ ← (ب) ۲ ← (پ)

آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

- ۱- سرور
۲- الف) طی می‌کنم، می‌پیمایم.
(ب) طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

درس نامه توپ برای شب امتحان

سرور کائنات و مَفَخِرِ موجودات و رَحْمَتِ عالمیان و صَفْوَتِ آدمیان و تَنَمَّهٔ دور زمان: سرور موجودات و مایهٔ افتخار آفریدگان و رحمت خداوند بر جهانیان و برگزیدهٔ انسان‌ها و مایهٔ کمال گردش روزگار.

عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف:

گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند.

واصفان جلیبهٔ جمالش به تحیّر منسوب:

توصیف‌کنندگان زیور زیبایی خداوند در حیرت‌اند.

آن‌گه که از این معامله باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

وقتی که از آن حالت مراقبه بیرون آمد یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: «از آن عالم غیب چه هدیه‌ای برای ما آورده‌ای؟»

چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست بردفت:

زمانی که مقداری از معرفت الهی را درک کردم، چنان بی‌خود شدم که اختیار خود را از دست دادم.

واژگان

- پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به
- انساب: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و
- ملاحظه و رودریاستی نباشد؛ خودمانی شدن
- بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
- ثنا: ستایش، سپاس
- جزا: پاداش کار نیک
- جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند
- که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
- جود: بخشش، سخاوت، کرم
- حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار،
- از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که
- همهٔ کارهای خداوند از روی دلیل و
- برهان است و کار بیپه‌وده انجام نمی‌دهد.
- رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند
- روی؛ مجازاً چاره، امکان
- سرور: شادی، خوشحالی
- سزا: سزاوار، شایسته، لایق
- شبهه: مانند، مثل، همسان
- عزّ: ارجمندی، گرامی شدن، مقابل ذلّ
- فضل: بخشش، کرم
- کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها
- و صفات خداوند
- ملک: پادشاه، خداوند
- نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند،
- نشان‌دهنده
- وهم: پندار، تصوّر، خیال
- یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که
- واضح و ثابت شده باشد.
- اعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی،
- روی‌گردانی
- انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
- انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و
- ملاحظه و رودریاستی نباشد؛ خودمانی شدن
- باسق: بلند، بالیده
- بنات: جمع بنت، دختران
- بنان: سرانگشت، انگشت
- تاک: درخت انگور، رز
- تنمه: باقی‌مانده؛ تنمهٔ دور زمان: مایهٔ تمامی
- و کمال گردش روزگار، مایهٔ تمامی و کمال
- دور زمان رسالت
- تحفه: هدیه، ارمان
- تحیّر: سرگشتگی، سرگردانی
- تمسّرع: زاری کردن، التماس کردن
- تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
- جسیم: خوش‌اندام
- جلیبه: زیور، زینت
- خوان: سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
- دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر
- می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
- ربیع: بهار
- روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش
- که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به
- او می‌رسد؛ وظیفهٔ روزی: رزق مقترّر و معین
- شعیف: شفاعت‌کننده، پامرد
- شهد: عسل؛ شهد فایق: عسل خالص
- صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
- عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی
- معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند.

فصل ادبیات تعلیمی

ستایش، درس یکم (شکر نعمت)، گنج حکمت (گمان)

معنی

○ مَلِکَا، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی

نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی خداوند، تو را یاد می‌کنم که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی [یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم].

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی تنها درگاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در تلاشم؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم که شایستهٔ توحید و یگانگی هستی.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و مانندی برایت نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.

مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی:

شاید برای او از آتش دوزخ، امکان رهایی وجود داشته باشد.

○ مَنّتِ خدای را، عزّ و جَلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت: سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

هر نفسی که فرومی‌رود، مِمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّجِ ذات:

هر نفسی که فرو برده می‌شود باعث ادامهٔ زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است. خوان نعمت بی‌درغش همه‌جا کشیده:

سفرهٔ نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانهاش در همه‌جا گسترده است.

پردهٔ ناموسِ بندگان به گناه فاحش نَدَرَد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نَبَرَد:

آبروی بندگان را با وجود گناهان آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

فَراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشی زمرَدین بگسترَد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بَناتِ نَبات در مه‌د زمین بی‌رود:

به باد صبا دستور داده تا سبزه‌ها را مانند فرشی سبزرنگ بگستراند و به ابر بهاری فرموده تا مانند پرستاری، گیاه در گهوارهٔ زمین پرورش دهد.

درختان را به جَلَبَتِ نوروزی، قباي سبزِ وَرَقِ در بر گرفته و اطفالِ شاخ را به قُدومِ موسِمِ ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده:

به عنوان هدیهٔ نوروز لباس سبزی را از جنس برگ به درختان پوشانده و به خاطر آمدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است.

عُصارةٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته: شیرهٔ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجه و پرورش او، دانهٔ خرمايي به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.

همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری ای انسان، تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند، منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی.

قلمرو فکری

○ مفهوم مشترک موارد زیر «**ناتوانی در شناخت خداوند**» است:

هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد
وان که دید، از حیرتش کِلک از بنان افکنده‌ای
واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب که: «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ».

درس دوم (مست و هشیار)، شعر خوانی (در مکتب حقایق)

معنی

○ گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»

گفت: «جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست»

محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلو تلو خوران راه می‌روی.» مست گفت: «راه‌رفتن من مشکلی ندارد، راه (جامعه) هموار و صاف نیست.»

گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی بَرَم.» محتسب گفت: «لازم است تو را به خانهٔ قاضی ببرم.»

گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانهٔ خَمَار نیست؟»

محتسب گفت: «خانهٔ حاکم نزدیک است، آنجا برویم.» مست گفت: «از کجا معلوم که والی، خود در میخانه نباشد؟»

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»

گفت: «کارِ شَرع، کارِ دَرهَم و دینار نیست»

محتسب گفت: «سگه‌ای به طور پنهانی به من بده و خودت را خلاص کن»، مست گفت: «کار دین با پول و رشوه درست نمی‌شود.»

گفت: «از بهر گرامت، جامه‌ات بیرون کنم»

گفت: «پوسیده‌است، جز نقشی ز پود و تار نیست»

محتسب گفت: «برای تاوانِ مستی، لباست را از تنت بیرون می‌آورم.» مست گفت: «لباس من پوسیده است و فقط نقشی از تار و پودش باقی است.»

گفت: «باید حد زَنَد هشیار مردم، مست را»

گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»

محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند.» مست گفت: «یک هوشیار بیار، در اینجا همه مست هستند.»

○ در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

ای فرزند، بکوش تا در مدرسهٔ حقایق، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.

خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد

آن‌گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.

وجه خدا اگر شودت مَنظَرِ نظر

زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

اگر نگاه و توجه تو تنها به سوی خداوند باشد، یقیناً از این به بعد، آگاه و دارای بصیرت خواهی شد.

واژگان

○ ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، تزویر: نیرنگ، دورویی، رباکاری

در متن درس به معنای معلّم و مرتبی است. حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار

افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن و مجرم

اسب و الاغ و ... می‌بندند. خَمَار: می‌فروش

اکراه: ناخوشایندبودن، ناخوشایند داشتن دَرِ مَلِک: سرزمین

امری داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

عزّ و جلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ مافخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره

فاحش: آشکار، واضح

فایق: برگزیده، برتر

فَرَاش: فرش گستر، گستردهٔ فرش

قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را

با دکمه به هم پیوندند.

قُدوم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن

قسیم: صاحب‌جمال

کاینات: جمع کاینه، همهٔ موجودات جهان

کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن

مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه

بنده به حق و یقین بر این که خداوند

در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست؛

نگاه‌داشتن دل از توجه به غیر حق

مزید: افزونی، زیادی

معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛

در این جا مقصود همان مراقبت و مکاشفت است.

معترف: اقرارکننده، اعتراف‌کننده

املا

○ إِعْرَاض، إِنْأَبْت، اِنْبَسَاط، بَاسِق، تَحْيِر، ثَنَا و سَتَائِش، جَزَا، حَلِيه، خَوَان و سَفْرَه، شَيْبَه و مَانِد، صَفَوْت و بَرگَزِيْدَه، عَاكْفَان، فَايِق، مَنصُوب و بَرگَزِيْدَه، مَنسُوب و نَسَبْت دَاَدَه‌شُدَه،

قَرِيْب و نَزْدِيْكَ، عَجِيْب و غَرِيْب، دَوْرآفْتَاَدَه و غَرِيْب، بَحْر و دَرِيَا، بَرَاي و اَز بَهْر، عَزّ و دَلّ

(= عَزّت و دَلّت)

قلمرو زبانی

○ واژگان هم‌آوا (کلماتی که تلفظ یکسان اما املا و معنای متفاوت دارند): قربت: نزدیکی

← غربت: دوری / حیات: زندگی ← حیات: زمین جلو ساختمان / خوان: سفره

← خان: رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای / منسوب: نسبت داده‌شده

← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

○ در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»: ضمیر «م» در «گلم»

مفعول است (بوی گل چنان مستم کرد). و ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست»

است. (دامن از دستم برفت).

○ انواع حذف:

1) حذف به قرینهٔ لفظی: گاهی بخشی از جمله به‌ویژه فعل را برای پرهیز از تکرار حذف

می‌کنیم. به این نوع حذف، حذف به قرینهٔ لفظی صورت گرفته است؛ مانند:

- منت خدای را که طاعت او موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت [است].

2) حذف به قرینهٔ معنایی: هرگاه فعل یا بخشی از جمله حذف شود و از راه معنی به

بخش حذف‌شده پی ببریم، حذف به قرینهٔ معنایی صورت گرفته است؛ مانند:

- بنده همان به [است] که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدای آورد

فعل «است» اصلاً در جمله نیامده و ما از طریق معنی به بخش حذف‌شده پی برده‌ایم.

قلمرو ادبی

○ در بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»،

«مرغ سحر» نماد «مذعبان دروغین عاشقی» و «پروانه» نماد «عاشقان راستین» است.

○ کتاب «گلستان» اثر سعدی و کتاب «کلیله و دمنه» ترجمهٔ نصرالله منشی است.